

جام جم

به بهانه روز پاسداشت زبان فارسی، «جام جم» تاثیر ایرانیان بر زبان عرب را بررسی می‌کند

جادوی فارسی در گوشه‌های عربی

نمایشگاه
کتاب

صفحه ۱۰

در گفت‌وگوی «جام جم»

باتهیه‌کننده برنامه «واقعیه» عنوان شد

واقعی و صمیمی با زنان ایرانی

۷

در نشست «جام جم» با سازندگان سریال شبکه ۳ بررسی شد

بازخوانی تاریخ در هیاهوی آتش و باد

۸

ویژه

«جام جم» از تولیدات رسانه ملی با موضوع آغاز

و تداوم رژیم اشغالگر قدس گزارش می‌دهد

روایت روز نکبت!

۶

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

دوگانه‌سازی بارز مصرف‌گرایی



چه کسی یا چه نظامی مسئول توسعه جامعه مصرفی است و بهره قدرت سیاسی بومی و جهانی در نظام سرمایه‌سالاری از مصرف‌گرایی در چه سطحی رخ می‌دهد؟ به زبان همه فهم نسبت سیاست و قدرت با جامعه مصرفی چیست؟ نظام سیاسی مدرن چه جایگاهی در توسعه جامعه مصرفی در مقیاس جهانی و کشورهای پیرامونی دارد؟ واگر یک انقلاب، در مثال ما، انقلابی متکی به آموزه‌های اسلام، نظیر اسلامی با رکان جامعه مصرفی ماهو اناسالازگار بود، چه راهی برای استقلال و عدم پیروی از سطه جهانی حکمرانی اصول نظام مصرفی دارد؟ در درک کلان موضوع معرفت دینی مشکلی پیش‌رو نمی‌بیند. امروز تجلی واقعی مقوم نظام مصرفی، همین نظام سرمایه‌داری است که در دو سیمای سرمایه‌سالاری، از توسعه جامعه مصرفی بدیهی است. قدرت سیاسی در نظام‌های کانونی در حقیقت مسئول اداره منظم ساختار اقتصادی توسعه سرمایه‌سالارانه و منافع جهانی آن است. در کشورهای پیرامونی هم اصل مدیریت سیاسی و مردان سیاست و رهبران جامعه پیروی از دستورالعمل‌های ضروری ابرقدرت‌ها و حفظ مناسبات وابستگی و سرکوب جریان‌های نامعتبر به این نظام مستقرانه پیرامونی است. بدین سان قدرت سیاسی، نقش مدیریت‌گسترش جامعه مصرفی را هم در جوامع کانونی و هم جوامع پیرامونی به عهده دارد. موضوع پیچیدگی مناسبات در کشوری مانند جمهوری اسلامی است که مبتنی بر انقلابی اسلامی و مخالف ارزش‌های جهانی ستم سرمایه‌سالاری و جامعه مصرفی محصول آن است. نیروهای طبقاتی، سیاسی و فرهنگی تحت منافع نظام غربی با شرقی، درون چنین کشوری در اقتصاد، سیاست و فرهنگ نقش فراهم‌آورنده امکانات، فضا، نشانه‌ها، برنامه‌ها، نهاده‌ها و همه اشکال زیربنایی و روئینایی جامعه پیرامونی مصرفی را به عهده می‌گیرند و در نتیجه، برنامه و سیاست اقتصادی و سوگیری سیاسی و فرهنگی در ایران دچار چالش عمده بین‌قشرهای مدافع جامعه مصرفی و نیروهای انقلابی مخالف آن می‌شود که از یکپارچگی و وحدت می‌افتد. چیزی که ما جزا را پیچیده‌تر می‌کند، توهم نیروهای انقلابی است که تصور می‌کنند برای رشد تولید داخلی و ممانعت از مصرف کالای خارجی، رشد حرص مصرف کالای داخلی درست است. بی‌خبر از آن‌که چنین روحیه ضدالهی، به معنی تحریک نفس سوء به زیرپاداشتن اوامر الهی در مصرف، نتیجه‌اش جامعه‌ای است که میل مصرف، رویکرد او را به کالاهایی با کیفیت برتر سوق می‌دهد؛ زیرا با وسایل نفس پرستانه نمی‌توان به اهداف تربیت الهی دست یافت و با تشویق مصرف‌گرایی، ولو در خصوص کالاهای داخلی و نفس حریص، نمی‌توان پایبند امر الهی بود. جامعه مصرفی در هر حال علیه اهداف انقلاب اسلامی است. توسعه تولید ملی هم باید با فرهنگ ضد مصرف‌زمگی و اسراف‌کاری صورت پذیرد. اصل پایبندی و ایمان در پیروی از فرامین الهی آیت و نه برخورد فرصت طلبانه با دین در خدمت منافع سرمایه‌سالاری داخلی و حرص مصرف مسرفانه کالای داخلی. آیا اگر جامعه ما به جامعه‌ای نظیر آمریکا و فرانسه... بدل شود، از نظر اسلامی پذیرفتنی است؟ آنان که جامعه پیرامونی نیستند اما جامعه مصرفی با همه سیمای فاسدان به شمار می‌آیند و اسلام با آنها علی‌رغم رشد باطل تولیدگری پیشرفته‌شان همچنان مخالف است. جامعه سامری مدرن هم هرگز به سبب پیشرفت تولید داخلی تکنولوژی و کالا، جامعه مقبول اسلام نیست، بلکه جامعه‌ای عاصی و فاسد ظالمان سرمایه‌سالار است که مردم را تشویق در نفس پرستی و اسراف به سود سرمایه‌سالاران می‌کند. باید با این خطر توهم در جمهوری اسلامی مقابله کرد. خطری که همچون درغلتیدن در توطئه چند جانبه‌گرایی استکباری است که می‌کوشد قطب اسلام را ضمیمه قدرت‌های استکباری تازه در تغییرات آتی کند.

خدا حافظ کتاب‌های من! بدرد



ای عمارت حکمت، معبد فلسفه، مؤسسه علمی، آکادمی ادبیات! من چقدر روغن چراغ به پای شما سوزاندم، خواندم و نوشتم، در سکوت شب، درحالی‌که همه خفته بودند... خدا حافظ کتاب‌هایم! نمی‌دانم بعد از این‌که ما رفتیم چه بر سر شما آمد. آیا غارت‌تان کردند؟ سوزاندند؟ شما را با یک احترام درخور به یک کتابخانه عمومی یا اختصاصی منتقل کردند یا این‌که به مغازه سبزی‌فروشی راه پیدا کردید تا درون ورق‌های‌تان بیاز بربزنند؟ این جملات درمندان از خلیل سکاکنی، مدع آموزش نوین فلسطین، ساکن یکی از محلات بیت المقدس است که پس از اشغال این شهر توسط صهیونیست‌ها و بیرون راندن فلسطینی‌ها از خانه‌های‌شان، کتابخانه ارزشمندش نیز به غارت رفت. خانه او اینک به مرکز فرقه صهیونیستی حدسه کانادایی تبدیل شده است. یکی از نقاط مغفول اشغال فلسطین، غارت فرهنگی این ملت است که در طول سال‌های اشغال و غارت سرزمین و خانه‌ها و شهرها و... پنهان ماند یا کمتر به آن پرداخته شد. براساس اسناد و شواهد معتبر موجود، صهیونیست‌ها پس از اشغال سرزمین فلسطین، به غارت کتابخانه‌ها و کتاب‌های مردم آن پرداختند و تا آنجا که در اسناد اسرائیلی هم ثبت شده، ۷۷ هزار جلد کتاب به شکل سیستماتیک از خانه‌ها و کتابخانه‌های مناطق اشغالی به غارت رفت و به کتابخانه‌های اسرائیلی منتقل شد.

بزرگ‌ترین سرقت فرهنگی

این سرقت فرهنگی که طی طرح عظیمی به نام طرح جمع‌آوری کتاب صورت گرفت از ژوئن ۱۹۴۸ یعنی یک‌ماه پس از اعلام موجودیت جعلی اسرائیل در تمامی شهرها و روستاهای مناطق اشغالی به مرحله اجرا درآمد. برای نخستین بار این غارت فرهنگی در قلمی مستند به نام سرقت بزرگ کتاب (The Great Book Robbery) توسط بنی برونر سال ۲۰۱۲ در بنیاد ۲۹۱۱ و شبکه الجزیره ساخته شد. تحقیقات فیلم توسط یک دانشجوی یهودی دوره دکتری به نام گیش امیت در سطحی وسیع انجام و در واقع به عنوان رساله دکتری وی مطرح شد.

براساس تحقیقات وی، عملیات غارت کتاب توسط گروهی از عناصر مؤسسه کتابخانه ملی اسرائیل به همراه نظامیان انجام شد که برای جمع‌آوری کتاب به تک‌تک خانه‌های فلسطینیان رفته و به خصوص خانه‌هایی را که به دلیل رانده شدن یا دستگیری و کشته شدن صاحبانش خالی شده بود را به سهولت غارت کردند. علاوه‌لا، نویسنده و از فلسطینیان غارت شده در همین فیلم می‌گوید: ما رمان‌های بسیاری داشتیم از کفانی و حبیبی، ادبیات دهه ۲۰ و ۳۰ همه آنها را غارت کردند. ما امروز عمق تاریخ و فرهنگ‌مان را به فراموشی سپرده‌ایم. تاریخ فرهنگ ما را از ۱۹۶۰ نوشته‌اند! درحالی‌که در ۱۹۲۰ ما تئاتر و ادبیات و سینما داشتیم، حتی کتابی درباره عکاسی در فلسطین اما امروز هیچ نداریم. ایلان پایی، مورخ یهودی در این فیلم می‌گوید: «... و نوع غارت وجود داشت. ۱۰ کتاب و ۲۰ عکس و

به بهانه روز نکبت، سالروز تاسیس رژیم جعلی اسرائیل

غارت بزرگ کتاب



تصویر فیلم، خانه‌های ۷۰ تا ۷۵ هزار فلسطینی که پر از کتاب بود، به سرقت رفت. اسناد اسرائیل در می ۱۹۴۸ و مارس ۱۹۴۹ حکایت از آن دارد که محله طلیبه پر از کتاب بود. «پایی ادامه می‌دهد: «... تصرف میراث فرهنگی فلسطینی‌ها با تصرف زمین آنها هیچ تفاوتی نداشت. صهیونیست‌ها با حذف فرهنگ و سابقه تاریخی فلسطینی‌ها قصد داشتند تا هویت و تاریخ فلسطینی‌ها را محو کنند. بنابراین حتی اگر از این کتاب‌ها مراقبتی صورت گرفته باشد از نظر من ارزشی ندارد...».

دزدی کتاب‌ها توسط اساتید دانشگاه‌های اسرائیل

شلومو شلای یکی از فرماندهان هاگانا که برای جمع‌آوری کتاب در آن سال‌ها مأموریت داشته هم به گزارشگر فیلم می‌گوید: «یک شبکه اطلاعاتی برای جمع‌آوری کتاب توسط نظامیان به وجود آمده بود و خانه‌هایی را که در آنها کتاب وجود داشت، شناسایی می‌کرد تا برای سرقت برنامه‌ریزی شود. در سال ۱۹۴۸ همزمان با به اسارت گرفتن فلسطینیان، روستای اشدود، یک تیم ۳۶ نفره هم برای جمع‌آوری کتاب‌های آنها تشکیل شد. «غارت کتاب‌ها به دو طریق شخصی و سازمان یافته انجام می‌شد: ملاتر شبیه شخصی، اساتید دانشگاه‌های عبرانی، خود به خانه‌های فلسطینی‌ها رفته و آنجا را برای یافتن کتاب زیر و رو می‌کردند! برای عملیات فوق، دانشگاه عبری و ارتش، یک سری عملیات

گذشته و تاریخ و هویت فلسطین را به یغما بردند

قادریم تا هشت سالگی در خانه پدری‌اش بوده و در آن زمان مجبورشان کردند که خانه را ترک کنند. خودش می‌گوید: «اینک یک اسرائیلی مالک خانه‌مان است اما فقط این نیست. پدرم یک کتابخانه اختصاصی داشت و علاقه‌مند به زبان‌شناسی بود. او در حال تدوین یک فرهنگ انگلیسی-عربی بود، مردی بود با یک کتابخانه در پشت سر و سال‌ها برایش زحمت کشید. انواع و اقسام فرهنگ‌نامه‌ها و دایره‌المعارف‌های کم‌نظیر را در این کتابخانه داشت که همه را به یغما بردند...» محمود یازیک، یک مورخ اجتماعی به وجود تئاتر در یافا، بیت المقدس و حیفا اشاره می‌کند که پیش از اشغال توسط صهیونیست‌ها در فلسطین رواج داشت. او می‌گوید: «شهر حیفا کتابفروشی‌ها و باشگاه‌های فرهنگ، ادبیات و تئاتر داشت. شخصیت‌های فرهنگی، دانشمندان و هنرمندان همه در ۱۹۴۸ فلسطین را ترک کردند و ما یتیم شدیم... آنهاهی که ماندند هرگز به رسمیت شناخته نشدند...» رونا سلا (موزه‌دار یهودی) نیز با چشمانی اشکبار بر این باور است که دزدیدن حتی ایوم‌های خانوادگی‌شان که حاوی عکس‌های دوران آشنایی پدر و مادرشان بوده، باعث شده که هیچ گذشته و تاریخی برای‌شان باقی نگذارد نشود و به نوعی این تهی شدن در سطح ملی اشاعه یابد. او می‌گوید:

«در جنگ سال ۱۹۴۸، بسیاری از گنجینه‌های فلسطینی‌ها را غارت کردند. هم اکنون آرشیه‌های اسرائیلی پر از گنجینه‌های فلسطینی‌هاست...» عکس‌های ماندگار و از تاریخ فلسطین هم به غارت رفت. رونا سلاز مجموعه تصاویر و عکس‌های به غارت رفته، یک کتاب منتشر کرد. او عکس‌های خلیل رصاص که زندگانش را وقف عکاسی از مقاومت فلسطین کرده بود در آرشیه هاگانا و ارتش اسرائیل پیدا کرد و در کتابش به چاپ رساند.

به سفال‌های روی دیوار هم رحم نکردند

محمد بطراوی، نویسنده و ویراستار کتاب که به عنوان زندانی مجبورش کردند برای اسرائیلی‌ها بیگاری و خانه فلسطینی‌ها را تخلیه کند، می‌گوید حتی سفال‌های روی دیوار خانه را هم دزدیدند که درجه یک و مرغوب بود و به موزه‌های خود بردند! برای هرچه بیشتر مستند شدن فیلم «سرقت بزرگ کتاب»، با نامه‌نگاری‌ها و درخواست‌های متعدد از مدیران کتابخانه ملی اسرائیل، سعی شد از انبارهای متروکه آن فیلمبرداری شود اما «تالیا سلومون» که از طرف پروژه فیلم سرقت بزرگ کتاب، مسئول ارتباط با مدیرکل کتابخانه مذکور شده بود، پس از کوشش فراوان موفق به کسب مجوز فیلمبرداری نشد اما در مقابل، برخی فلسطینی‌های بازمانده سعی کردند به طریقی، آن گنجینه‌های فرهنگی را به ملت فلسطین برگردانند. از سال ۱۹۵۰ به رئیس اداره اموال بدون صاحب، نامه زدند و مکالمه داشتند. برخی فلسطینیان مانند هانا ابوهانا، تعدادی از کتاب‌هایی را که به کتابخانه‌ها منتقل نکرده بودند با همان نشان‌های AP (اموال متروکه) خریدند و به کتابخانه‌های خود انتقال دادند اما موفقیتی دیگر برای برگرداندن آن گنجینه عظیم به صاحبان اصلی‌اش یعنی ملت فلسطین به دست نیامد و کتاب‌های غارت شده فلسطینیان همچنان مانند سرزمین‌شان در اشغال صهیونیست‌ها باقی ماند.